



یادداشت

تهدید صدها هزار شغل اینترنتی در اثر طرح ارتجاعی صیانت

بیکار سازی به جای ایجاد کار!

صادق کار



انتشار خبر تصویب و ابلاغ طرح موسوم به (صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی) پس از تأیید خامنه‌ای اگر چه دور از انتظار نبود با یاس و ناامیدی و اعتراض بسیاری در جامعه روبه رو شده است و به نظر می‌رسد دامنه مخالفتها با این طرح ارتجاعی و استبدادی پر هزینه با مشخص شدن تأثیرات مخرب آن روی اشتغال و اقتصاد و دیگر حوزه‌ها وسیعتر بشود.

کارشناسان و اهل فن در رشته‌های مربوطه هر چه را در مورد مضرات و پیامدهای منفی این طرح گفتنی بود در جریان روند آن تا مرحله تصویب گفته‌اند. در مورد علل علم شدن این طرح و مقصود از آن نیز بین کارشناسان و سیاستمداران غیر حکومتی اتفاق نظر وجود دارد. از اظهار نظرات مطرح شده که شواهد زیادی دال بر درست بودن شان وجود دارد و همچنین گفته‌های مدافعان طرح صیانت روشن می‌شود که هدف طرح چیزی غیر از تحکیم پایه‌های متزلزل حکومت از طریق بسط سانسور، محدود کردن امکان ارتباطگیری مردم، با هم شناسایی آسانتر مخالفین و منتقدین حکومت و کنترل اطلاعات خصوصی مردم نیست. البته مردم به زودی راه‌های مقابله با آن را پیدا خواهند کرد و این طرح پر هزینه امنیتی نیز نخواهد توانست از فرو ریختن پایه‌های حکومت با وجود نارضایتی و انزجار شدید سراسری جلوگیری کند. با این وصف نگرانی حکومت از فروپاشی به قدری شدید است که حاضر است برای سرپا نگاه داشتن حکومت هر هزینه و ریسکی را بپردازد. طرح صیانت بسیار پرهزینه و پر ریسک برای خود حکومت هم هست زیرا به نارضایتی لایحه‌هایی از جامعه که تلاش می‌کنند خود را از فعالیت سیاسی دور نگه دارند منجر می‌شود و به ناگزیر آنان را به عرصه سیاست می‌کشاند. همانطور که آزاد سازی قیمتها و تبعات آن بخشهای وسیعتری از



جامعه را به عرصه سیاست کشانید و آنها را فعال نمود. حتی پیش از اینکه طرح صیانت تصویب و ابلاغ شود، صدای غرولند و اعتراض بخشی از این گروه‌ها که کسب و کار و منافع خود را از بابت آن مورد تهدید می‌بینند می‌شد شنید. تعداد کسانی که در ایران به اینترنت دسترسی دارند به نقل از اداره آمار ۶۵ درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شود. بخش قابل توجهی از کاربران اینترنت کسانی هستند که با راه انداختن کار و کسب در اینترنت زندگی خود را تامین می‌کنند. خصوصاً بعد از کرونا و رها کردن بیکاران کرونایی به حال خود عده زیادی از بیکاران و جوانان تحصیلکرده برای ایجاد اشتغال به سوی اینترنت روی آوردند و توانستند کاری را که دولت نتوانسته بود برایشان انجام دهد خودشان بوجود آورند. تعداد مشاغلی که از این طریق بوجود آمده حداقل دو برابر اشتغالی است که دولت می‌توانست در این مدت ایجاد کند ولی نتوانست و نکرد. امید بیکاران برای ایجاد کار با کمک اینترنت بیشتر از امید آنان به دولت است. در مورد تعداد مشاغل در اینترنت آمارها متفاوت اند. بنا به داده مرکز آمار ایران، ۱۱ میلیون نفر در ایران از طریق اینترنت درآمد کسب می‌کنند. بنا به گزارشی که ۶ ماه پیش در روزنامه دنیای اقتصاد منتشر شد تعداد مشاغل خرد

و کلان جمعاً حدود یک میلیون و هفصد هزار مورد ذکر گردید و این روزنامه نوشت: "این روزها درحالی‌که حواشی پیرامون موضوع فیلترینگ اینستاگرام در حال اوج‌گیری است، آمارها نشان می‌دهد که اکنون حدود یک میلیون صفحه فارسی از طریق اینستاگرام کسب درآمد حداقلی دارند. همچنین حداقل ۲۰۰ هزار کسب‌وکار کوچک و متوسط و حدود ۵۰۰ هزار کسب‌وکار استانی و بومی در اینستاگرام صفحه فعال دارند" به احتمال زیاد تعداد مشاغل اینترنتی طی ۶ ماه گذشته . . نیز باید رشد قابل توجهی کرده باشد

در شرایطی که دولت طی یک سال گذشته نتوانسته است اشتغال قابل توجهی ایجاد کند و از لابلای برخی خبرها و نوشته‌ها معلوم می‌شود که طی این مدت تعداد زیادی از مردم مشاغل خود را از دست داده و حتی آمارهای دستکاری شده رسمی هم حکایت از افزایش بیکاری دارند. به نظر می‌رسد با ابلاغ و شروع اجرای طرح موسوم به صیانت بواسطه محدودیت‌هایی که بر سر راه کسب و کارهای اینترنتی این طرح بوجود آورده و می‌آورد باید در انتظار موجی از بیکاری‌های تازه را داشت. یعنی در واقع صدها هزار شغل را می‌خواهند قربانی تحکیم سانسور و استبداد و پایه‌های قدرت حکومت نمایند. ایجاد بیکاری تنها یکی از نتایج طرح صیانت است. ده‌ها ضرر و زیان سنگین‌تر از بابت اجرای این طرح به جامعه وارد می‌شود که هر یک از آنها پیشرفت و توسعه علم و دانش و صنعت و اقتصاد و آزادی و تبادل اطلاعات را که از نیازهای عاجل امروز جوامع هستند کند و مختل می‌کند و عقب ماندگی کشور را بیشتر می‌کند

آمار دقیقی راجع به تعداد مشاغل اینترنتی و کسانی که مستقیم و غیر مستقیم از طریق اینترنت معاش‌شان را تامین می‌کنند، در دست نیست. آمارها متفاوت اند. بنا به گزارشی که حدود ۶ ماه پیش از کم و کیف مشاغل اینترنتی در روزنامه دنیای اقتصاد منتشر شد تعداد مشاغل بزرگ و کوچک حدود ۱،۷ میلیون اعلام شد

دنیای اقتصاد- هانیه فیلترینگ اینستاگرام در حال اوج‌گیری است، آمارها نشان می‌دهد که اکنون: "حدود یک میلیون صفحه فارسی از طریق اینستاگرام کسب درآمد حداقلی دارند. همچنین حداقل ۲۰۰ هزار کسب‌وکار کوچک و متوسط و حدود ۵۰۰ هزار کسب‌وکار استانی و بومی در اینستاگرام" صفحه فعال دارند



بنا به گزارش مرکز آمار ۱۱ میلیون ایرانی از طریق شبکه های مجازی کسب درآمد می کنند و مشاغل و درآمد این ۱۱ میلیون نفر وابسته به داشتن دسترسی به تلگرام و واتس آپ و فیلتر شکن است. دسترسی به شبکه های اجتماعی حتی قبل از تأیید طرح صیانت توسط خامنه‌ای به دلیل مسدود کردن سرور فیلتر شکن محدود و دشوار شده و گویا قصد دارند دسترسی به واتس آپ و تلگرام و اینستاگرام را از طریق فیلتر کردن سرور فیلتر شکن بکلی منتفی کنند.

در سال ۹۸ هنگامی که تلگرام فیلتر شد چون راه فعالیت ها به کل مسدود نشده بود، صاحبان مشاغل به اینستاگرام روی آوردند ظرف سه سال شمار کاربران اینستاگرام به ۴۷ میلیون رسید. هم اکنون گفته می شود ۸۳ درصد مشاغل و داد و ستد های اقتصادی ایرانیان در صفحات اینستاگرام، تلگرام و واتس آپ جریان دارد. از هم اکنون دولت با مسدود کردن دسترسی به سرور فیلتر شکن و کاهش سرعت اینترنت در کار و کاسبی های اینترنتی اخلاص بوجود آورده است. فعالترین بخش از مخالفان صیانت در حال حاضر همین گروه هستند که احساس می کنند طرح صیانت مشاغل و معیشت و آینده آنها را در معرض خطر قرار داده است.

دولت رئیسی با وعده ایجاد سالی یک میلیون شغل جدید کارش را شروع کرد، اما در یک سالگی فعالیت دولت، نه تنها نشانی از انجام این وعده وجود ندارد، بلکه آمار بیکاری به استناد داده های مرکز آمار و گزارش مدیر صندوق بیمه بیکاری بالاتر از زمان شروع فعالیت دولت رئیسی است. با اجرای طرح صیانت انتظار می رود که تعداد زیاد دیگری مشاغلی را که خود مردم بوجود آورده اند از دست بدهند و به میلیونها بیکار دیگر ملحق شوند. این تنها یکی از تاوانهای سنگینی است که مردم می بایست بابت طرح صیانت بپردازند. اجرای طرح صیانت در واقع به ضرر اکثر گروه های اجتماعی و مانع پیشرفت علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و باعث توسعه فقر و بیکاری و فساد بیشتر می شود. بهمین خاطر همه مردمی که با این مسائل مخالف هستند لازم است که مشترکا برای عقیم گذاشتن طرح ارتجاعی صیانت که حالا تبدیل به قانون شده اقدام کنند.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

**دولت موظف است به همه بیکاران حقوق بیکاری بدهد و بیکاران را تحت پوشش
تامین اجتماعی قرار دهد!**

**قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران با ید با
انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!**

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش نهم

"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی

هیو استورجس



گروهی از کارگران برنامه اشتغال روستایی ... (هند) در حال کار

تضمین اشتغال در عمل: مقایسه برنامه های تاریخی و معاصر - ادامه 2-

قانون ملی تضمین اشتغال روستایی مهاتما گاندی (هند)

برنامه سراسری تضمین اشتغال روستایی مهاتما گاندی (از این پس برنامه اشتغال روستائی)، که در سال 2006 آغاز شد و در سال 2008 به یک برنامه سراسری گسترش یافت، تنها برنامه ارزیابی شده در این فصل است که برای اتخاذ یک چارچوب روشن مبتنی بر حقوق 100 روز استخدام مزدی را "بنا به خواست" افراد برای خانوارهای هندی در مناطق روستایی تضمین می کند. این برنامه، با توجه به جمعیت بسیار زیاد هند، همچنین به صورت مطلق بزرگترین برنامه ارزیابی شده در این فصل است که بیش از 45 میلیون نفر را (Vij) در اولین سال اجرای خود در سراسر کشور به استخدام درآورد، که بیش از نیمی از آنان زن بودند. ویج اولاً مشارکت بالای زنان را با دستمزدی برابر با دستمزد کارگران مرد در این برنامه و ثانیاً پیشبرد یک سیاست استخدامی که همه افراد را شامل می شود، جهاتی می داند که هر دو در تضاد با هنجارهای اشتغال خصوصی در محیط روستایی هند قرار دارند. همانند برنامه "نان آور" در آرژانتین، یک تعبیر بدیل برای مشارکت بالای زنان در برنامه اشتغال روستائی این است که کار در چارچوب آن "کار غیرواقعی" تلقی می شود، و از همین رو موجب می شود زنان به میزان نامتناسبی در آن مشارکت ورزند تا خانواده هایشان بتوانند درآمدی داشته باشند، در عین حال که شرکای مردشان در جستجوی کار در اقتصاد "مرسوم" باشند.

دولت هند طی دهه ها تلاش کرده است تا راه حلهایی را برای رفع کمبود مزمین تقاضای نیروی کار در



مناطق روستایی هند، که هنوز اکثریت جمعیت در آنجاها سکنا دارند، تدبیر کند، و برنامه اشتغال روستائی هم یک استراتژی برای پاسخگویی مستقیم هم برای رفع مشکل مذکور و هم برای انجام کارهای مفید محلی است. این برنامه اهداف تکمیلی دیگری چون کاهش فقر و کاهش مهاجرت روستائیان به شهر را نیز تعقیب می کند. کارهای مورد نظر برای انجام به گونه ای طراحی شده اند نیاز خاصی به مهارت نباشند - مانند خاکبرداری، حفاری و شکستن سنگ ها، ساخت مخازن آب، جاده های روستایی، احیای جنگل، حفاظت از خاک و برخی برنامه های جزئی کشاورزی و باغبانی. در این میان، پروژه های حفاظت از آب و مقاوم سازی در برابر خشکسالی در اولویت قرار دارند

نتایج برنامه اشتغال روستائی یکدست نیستند. کیفیت کارهای انجام یافته را لزوماً نمی توان خوب دانست. این کیفیت را با به پشتیبانی فنی ناقص و برنامه ریزی ناکافی (Upendranadh) و اوپندراناد (Reddy) نسبت می دهند. کمبود یا نبود خدمات بهداشتی، امکانات دفع فاضلاب و ایمنی اولیه در محل کار، مراقبت از کودکان، و نیز سطح دستمزدهای پراختی به کارگران، که به زعم برخی سنجشگران برنامه برای حمایت و گایها (Jha) از کارگران و خانواده های آنها بسیار پایین است، به مسئله تبدیل شده اند. در حالی که جها بر این نظر اند که نفی کاهش مهاجرت و افزایش دستمزدهای روستایی به عنوان ثمرات برنامه (Gaiha) شواهدی ارائه می (Shome) اشتغال روستائی، "اگر خیال پردازی نباشند، اساساً اغراق آمیز اند"، شوم نیز از افزایش قابل توجه (Haque) دهد که حاکی از کاهش قابل توجه مهاجرت روستا به شهر اند و هاک دستمزد کارگران کشاورزی و غیرکشاورزی گزارش می دهد. این نشان می دهد که حداقل دستمزد برنامه اشتغال روستائی، همان طور که طرفداران "تضمین اشتغال" استدلال می کنند، به عنوان دستمزد و همکارانش گزارش می دهند که علیرغم هدف این برنامه دایر (Dutta) کف عمل می کند. با این حال، دوتا بر تضمین اشتغال برای عموم متقاضیان، به دلیل سهمیه بندی کار در چارچوب آن، تقریباً نیمی از کارگران روستایی (44 درصد) که مایل به کار اند، موفق به کسب آن نمی شوند. میانگین تعداد روزهای اشتغال همیشه کم بوده و به مرور زمان کاهش یافته است: از متوسط 39 روز در سالهای 2009-2010 به 31 روز در سالهای (2012-2011) آمار نشان می دهد که این نیاز برآورده نشده برای اشتغال، به ویژه در ایالات فقیرتر در هند شدت بیشتری دارد

این سهمیه بندی بالا باعث می شود که برنامه اشتغال روستائی به تنهایی مسئول افزایش دستمزدهای روستایی به ویژه در مناطق فقیر تلقی شود. با توجه به این موضوع، جها و گایها بر این نظر اند که "گریز از این نتیجه گیری که برنامه اشتغال روستائی اجرای خوبی نداشته، دشوار است". البته آنها تصریح می کنند که این برنامه مزایای واقعی در حمایت از درآمد و بازتوزیع آن داشته است. برنامه اشتغال روستائی، مانند سایر برنامه های ارزیابی شده در این فصل، در درجه اول یک ابزار سیاستی برای جذب بخشی از بدنه کارگران بیکار است و ایجاد شغل را بر ارزش کار انجام شده اولویت می دهد

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهای مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاهای کارگری باید از میان برداشته شوند!



اذعان به فرمایشی بودن انتخابات کانونهای بازنشستگی!
صادق



برگزاری ایلنا در ۱۶ شهریور در گزارشی با عنوان "اداره کار در انتخابات کانون ها دخالت می کند" به دخالت اداره کار در امور تشکلهای پرداخته است

ایلنا در گزارش خود به اظهارات مهدی یعقوبی که به نوشته این خبرگزاری از فعالین صنفی بازنشستگان در استان مرکز است استناد نمود و نوشت:

اداره کار در انتخابات کانونها دخالت می کند؛ اخیراً اداره تعاون و کار استان مرکزی در ترکیب کانون سازند دخالت کرده و به دلیل اینکه از یک شرکت ۳ نفر در کانون سازند بوده یکی را اخراج و فرد دیگری را جایگزین کرده که اتفاقاً ایشان هم از همان شرکت است؛ این در صورتی است که از یک شرکت ۴ نفر در یکی دیگر از کانونهای استان مرکزی حضور داشته است؛ واقعاً دلیل این دخالتها چیست؛ چرا اجازه نمی دهند "بازنشستگان خودشان آزادانه نمایندگان قانونی خود را انتخاب کنند؟"

اعتراض آقای یعقوبی ظاهراً به نحوه انتخاب کانون عالی بازنشستگان بر می گردد که چند هفته پیش در یکی از هتل های لوکس انزلی برگزار شد و عده ای از بازنشستگان با برگزاری تجمع در مقابل هتل آنرا فرمایشی نامیدند و نسبت به آن اعتراض کردند

خلاصه اعتراض مهدی یعقوبی و آنهایی که در انزلی علیه مجمع عمومی کانون بازنشستگان که به قصد انتخاب هیئت مدیره جمع شده بودند این است که مراحل مجمع با دخالت اداره کار و از بالای سر زیر مجموعه کانون عالی بازنشستگان تشکیل شده و فاقد وجاهت قانونی است و وزارت کار نایبستی در گزینش و تغییر کاندیداها دخالت می کرد

البته اعتراض ها درست ولی دیر هنگام و در این مورد بی اثر است. چرا که این رویه دهها سال است که ادامه دارد و آقای یعقوبی و دیگر از اعضای کانون های بازنشستگی یا نسبت به آن سکوت کرده اند و یا



آنقدر صدای خود را بلند نکرده‌اند که به گوش کسی برسد. اگر هم تلاشی در این خصوص نموده‌اند بی نتیجه بوده، چرا که دخالت و گزینش و کنترل تشکلهای بنا به اذعان خودشان در این گزارش تا کنون جریان داشته است و اثری از توقف یا حتی تغییر آن مشاهده نمی شود. کلا این نگاه و انتظار نسبت به تشکلهای وابسته به قدرت هم از نظر تئوریک و هم تجربی شکست خورده است!

وزارت کار همواره از طریق شعبه مدیریت سازمانهای کارگری و کارفرمایی بر "انتخابات" تشکلهای کارگری کنترل کامل دارد و مراقبت می نماید که احدی به غیر از افراد سر سسپرده به این وزارتخانه نتوانند در ترکیب هیئت های مدیره تشکلهای کارگری اعم از اینکه تشکل بازنشستگان باشند یا شاغلین وارد شود. این مراقبت پلیسی- اداری در حالی با مراقبت تام و تمام توسط عوامل کارکشته و زبده وزارتخانه کار در شعبه نامبرده انجام می شود که در قوانین ناظر بر تشکیل تشکلهای کارگری همه راه های نفوذ افراد مستقل و سالم مسدود شده‌اند و احدی نمی تواند از این سد عبور کرده و وارد سیستم شود. همه تلاشهایی هم که از طرف افراد مستقل و حامیان واقعی حقوق کارگر برای رخنه در تشکلهای موسوم به رسمی به عمل آمده عقیم مانده است. گاهی هم اتفاق افتاده است که برای خالی نبودن عریضه و رقابت با تشکلهای مستقل یکی دونفر افراد داری سابقه روشن را برای نشان دادن استقلال و خرید آبرو در بعضی از تشکلهای بازنشستگی تحت هدایت وزارت کار راه بدهند. اما حضور این عده قلیل که تعدادشان به ۲ درصد هم نمی رسد تزئینی بوده و هیچ تاثیر دگرگون کننده‌ای در ماهیت، رفتار و نتایج عملکرد تشکلهای وابسته به قدرت نداشته و منفعتی از بابت حضور آنان نصیب کسی نشده است. نحوه مدیریت مجامع عمومی تشکلهای حکومتی اصولا به صورتی است که اجازه بالا آمدن عناصر مستقل در راس تشکلهای این چنینی را نمی دهد. فشار اعتراضات کارگری و بازنشستگان در این اواخر بجای اینکه باعث باز شدن مناسبات درونی تشکلهای بازنشستگی حکومتی شود موجب بسته تر شدن فضای درون شان شده است که این خود موجب تشدید رقابت بر سر قدرت و امتیازات بین روسای آنها شده است. گفتن این سخن که تشکلهای کارگری باید استقلال داشته باشند، قبل از آقای یعقوبی توسط برخی از روسای شوراهای اسلامی و وابستگان به خانه کارگر هم مطرح شده، اما تغییری در ماهیت و کردار آنها بوجود نیاورده است و نخواهد آورد زیرا استقلال با ذات و سبب بوجود آوردن این نوع تشکلهای در تضاد قرار دارد. تغییر ماهیت تشکلهای اصولا در دست رهبران شان نیست در اختیار نهادهای دولتی است. بهمین خاطر همه آنهایی که به راستی و نه از روی رقابت با گرایشاتی که همیشه مدافع استقلال تشکلهای کارگری بوده‌اند، به استقلال تشکلهای باور دارند بهتر است وقت و انرژی شان را بجای بیهوده هدر دادن برای تامین استقلال تشکلهای حکومت ساخته صرف تقویت تشکلهای مستقل نمایند. دهها تشکل مستقل بازنشستگی بوجود آمده‌اند که بر خلاف کانون های بازنشستگی که از کمک های همه جانبه و بی دریغ دولت برخوردار هستند، با اتکا به اعضای خود توانسته‌اند خدمات ارزشمندی به بازنشستگان بنمایند. کاری را که تشکلهای حکومتی امثال کانون عالی بازنشستگان نتوانستند با آن همه حمایت و امکانات دولتی انجام دهند، تشکلهای مستقل و آس و پاس با سازماندهی اعتراضات خیابانی بازنشستگان موفق به انجام آن شده‌اند. اعتراض آقای یعقوبی و دوستان اش و انعکاس آن هم نتوانست مانع دخالت وزارت کار و انجام انتخابات فرمایشی در کانون عالی بازنشستگان تحت مدیریت وزارت کار گردد. انتصابات انجام شد و همان کسانی که وزارت کار می خواست بر راس کار قرار گرفتند و کسی هم اهمیتی برای معترضین قائل نشد

همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و سایر زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم

همه زندانیان سیاسی باید بلادرنگ آزاد شوند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



حمله وحشیانه نیروهای ضد مردمی و سرکوبگر به تجمع مسالمت آمیز کارکنان رسمی نفت

در روز شنبه ۱۲ شهریور ماموران سرکوبگر و ضد مردمی با قرق کردن اطراف و اکناف ساختمان وزارت نفت به کارگرانی که به دعوت کارکنان رسمی نفت قصد تجمع داشتند بطور وحشیانه یورش آوردند و پس از ضرب و شتم حاضرین ده‌ها نفر از کارگرانی را که در محل بودند با خود به مراکز امنیتی بردند. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت حداقل ۵۷ و به قول منابع دیگر ۶۷ کارگر قبل از شروع تجمع بازداشت شدند که هنوز اطلاع دقیقی از وضعیت تعدادی از آنان بعد از بازداشت‌ها نیست. هجوم به تجمع مسالمت آمیز کارکنان رسمی نفت نشان داد که حکومت تاب تحمل این گونه اعتراضات را ولو اینکه مطابق قوانین خودش انجام بگیرد را ندارد و کارگران برای احقاق حق خود ناچارند به جای تجمع در خیابان به اعتصاب روی بیاورند. در اوضاع احوال کنونی اعتصاب کردن موثرتر و ایمن تر از تجمع خیابانی است. بهر حال کارگران مرعوب سرکوب نخواهند شد و مبارزات بر حق خود را به اشکال مختلف تداوم خواهند داد با این تفاوت که خشم و نفرت آنان بعد از یورش نیروهای سرکوبگر از رفتار حکومت دو چندان خواهد شد.

اعتصاب کارکنان رسمی عملیاتی در سکوهای گازی پارس جنوبی

کارکنان رسمی سکوهای گازی واقع در پارس جنوبی در ۱۲ شهریور و همزمان با یورش نیروهای سرکوبگر به کارگران نفت در تهران بعنوان اعتراض به برآورده نشدن مطالبات شان اعتصاب کردند. افزایش دستمزد، رعایت قوانین و ساعات کار، کاهش مالیات‌های نا عادلانه، کیفیت بد خدمات بهداشتی و درمانی و اجرای ماده قانون وظایف و اختیارات کارکنان رسمی، خواسته‌های اصلی کارگران اعتصابی در سکوهای گازی و عموم کارگران رسمی نفت هستند.



رضا شهابی را به بند عمومی منتقل کردند

پروژه پرونده سازی برای فعالین سرشناس جنبش سندیکایی و کارگری به طرز مفتضحانه‌ای شکست خورد و چیزی از قریب پنج ماه فشار و تهدید و وعده نصیب بانیمان جنایتکار این اعمال رذیلانه نگردید. تعدادی از فعالین هم پرونده را مجبور شدند در اثر اعتراضات گسترده داخلی و سازمانهای اتحادیه‌ای و مترقی جهانی از سلول‌های انفرادی به بند عمومی منتقل کنند. تعداد دیگری همچنان در انفرادی و تحت فشار مضاعف هستند. مبارزه در داخل و خارج از ایران همچنان برای آزادی این عزیزان با قوت و تا رهایی آنان از زندان ادامه خواهد داشت .

اعتراض کارگران کشت صنعت کارون وارد سومین هفته شد

اعتراض کارگران شرکت کشت و صنعت کارون به علت امتناع کارفرما از پذیرش خواسته های کارگران با وجود گذشت دو هفته در این هفته نیز تداوم پیدا کرد. به نوشته ایلنا خواسته‌های کارگران علاوه بر برکناری مدیر عامل شرکت از کار

همسان‌سازی حقوق و مزایای کارگران با شرکت‌های همجوار و مشابه کشت و صنعت نیشکری، تبدیل " وضعیت شغلی کارگران بیمانکاری و قراردادی و لغو تعلیق از کار ۱۶ نفر از همکاران در جریان اعتراضات "روزهای اخیر است .

!واقعیت تورم و گرانی به روایت یک اقتصاددان و نه وارونه‌گری رئیسی

دولت اخیرا اعلام کرد گویا تورم را ۲۰ درصد طی یکسال فعالیت اش کاهش داده. ابراز این ادعا آنهم در اوج گرانی های دم افزون با تمسخر و مضحکه های بسیاری مواجه و تعداد زیادی از کارشناسان و اهل اقتصاد این ادعا را با دلیل و برهان رد کردند. گفتنی است که گرانی مایحتاج عمومی و کاهش ارزش پول ملی میزان خرید مردم را کم کرده و موجب کسادگی کار کسبه و فروشندگان تولید کنندگان مواد غذایی و مصرفی شده است. دولت زندانه می خواهد این پدیده را به عنوان کاهش تورم و قیمت کالاها جا بزند! در واقع آنچه . که کاهش پیدا کرده قدرت خرید است و نه تورم

فرشاد مومنی اخیرا در نوشته‌ای با استناد به آمار و ارقام نه تنها ادعای کاهش تورم را رد نموده بلکه نسبت به پیامدهای آن هشدار هم داده است و ابراز نگرانی نموده است. گزینه هایی از این نوشته فرشید مومنی مندرج در بهار نیوز را نگاه کنید

آن نرخ تورم ماهانه که در خرداد ۱۴۰۱ اتفاق افتاد از زمان اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ تا امروز کم سابقه بوده است. مساله کلیدی و بسیار حیاتی بعدی این است که در این موج تورمی نرخ تورم ماهانه مواد غذایی به ۲۶ درصد در خرداد ۱۴۰۱ رسیده که کم سابقه ترین شوک قیمتی غذا در تاریخ اقتصادی معاصر ایران بوده است. آن مقام مسئولی که در این زمینه ها حساسیت زدایی می کند باید حواسش باشد که در این ماجراها آبرو، اعصاب و جان مردم و به تبع واکنش های شهروندان، حیثیت و مشروعیت حکومتگران مطرح است. چرا اینها برای دوزخ بیشتر در قدرت ماندن از این کارها می کنند؟



دکتر مومنی خاطرنشان کرد: اگر شما افق بحث را از یک ماه به یک سال منتقل کنید، می بینید حدود ۱۰ کالا هستند که در یک ساله منتهی به خرداد ۱۴۰۱ بالای صد درصد رشد داشته اند. روغن مایع در یک سال ۳۳۲ درصد و روغن نباتی جامد ۲۷۱ درصد افزایش قیمت داشته است. برنج ایرانی در یک ساله منتهی به خرداد ۱۶۴ درصد رشد، سیب زمینی ۱۷۲ درصد، ماکارونی ۱۶۹ درصد، رب گوجه ۱۲۹ و پنیر ۱۲۶ درصد رشد داشته است. میانگین قیمت مواد غذایی نسبت به خرداد ۱۴۰۰ در خرداد ۱۴۰۱ هشتاد و سه درصد رشد داشته است. آن وقت آقایان وقتی حداقل دستمزد را ۵۷ درصد افزایش می دهند فکر می کنند کولاک کرده اند. وقتی کالاهای بسیاری بیش از ۳۰۰ درصد افزایش قیمت داشته اند، افزایش ۵۷ درصد دستمزدها چه می تواند بکند؟ ۵۸ درصد نیروی کار شاغل ایران در بخش غیر رسمی هستند یعنی حتی این افزایش دستمزد برای همه کارگران اعمال نمی شود

از طرفی ببینید این بازی که با قیمت ارز کالاهای اساسی راه انداختند چه آشوبی در بازار اجاره مسکن ... شهری ایجاد کرده است. اگر شما این افق های یک ماهه و یک ساله را به سمت یک افق پنج ساله ببرید مسائل دیگری آشکار می شود. حتی اگر این فجایع خرداد به بعد درباره مایحتاج مردم را نادیده بگیریم باز هم می بینیم در فروردین ماه سال ۱۴۰۱ نسبت به نیمه اول سال ۱۳۹۶ بودجه دولت ۴۳۰ درصد رشد داشته درحالیکه که کارایی آن سقوط کرده است

آمارها وضعیت اقتصاد کشور را نمایندگی نمی کنند

حسین راغفر یکی دیگر از اقتصاد دانان منتقد سیاستهای اقتصادی دولت نیز در واکنش به ادعای کاهش ۲۰ درصدی نرخ تورم نوشت

در اینکه آمار در ایران کاملاً سیاسی است اصلاً تردیدی وجود ندارد و معتقدم آمارهایی که به صورت " رسمی منتشر می شوند، به صورت کافی و وافی قابل استناد نیستند و تصویر واقعی از وضعیت جامعه را نشان نمی دهند و تجربه زیسته مردم و افرادی که در ایران زندگی می کنند با آمارهایی که منتشر می شود تفاوت های بسیار زیادی دارد

ادامه اعتراضات کارگران کیان تایر

اعتراض کارگران کیان تایر که بار دیگر در این دور از ۱۳ شهریور شروع شد تا پنجشنبه ۱۷ شهریور ادامه پیدا کرد کارگران که مدت هاست دستمزد و مزایای خود را نگرفته اند و همچنین نگران تعطیل شدن کارخانه بواسطه روشن نشدن وضعیت مالکیت آن هستند نسبت به رسیدگی نکردن به خواسته های شان معترض و خواهان رسیدگی هستند

اعتراض دوباره کارگران شهرداری و فضای سبزکوت عبدالله

کارگران شهرداری کوت عبدالله دوباره بخاطر پرداخت نکردن دستمزد و رد نکردن حق بیمه های شان در سه ماه گذشته مجبور به اعتراض خیابانی شدند. کارگران می گویند پیمانکار قبلی که دستمزدهای آنان را منظم نمی داد جای خود را به پیمانکار دیگری داده است که در آغاز کار دستمزدها را به موقع می داد، اما



بعد از مدتی او هم رویه پیمانکار بد حساب قبلی را در پیش گرفته و از پرداخت به موقع دستمزد و حق بیمه طفره می رود.

بازنشستگان فولاد اعتراض یکشنبه ها را از سر گرفتند

بازنشستگان روز یکشنبه این هفته ۱۳ شهریور در مقابل دفتر بازنشستگی شرکت فولاد واقع در اصفهان تجمع و خواستار پرداخت خواسته های خود شدند. دو خواسته اصلی فعلی بازنشستگان افزایش ۲۸ درصد به اضافه ۵۱۵ هزار تومان به حقوق های بازنشستگی و پرداخت معوقات همسان سازی سال ۹۹ هستند. گفتنی است که مدیران شرکت فولاد و مسئولین دولتی تا پیش از افشای فساد ۹۲ هزار میلیاردی شرکت فولاد به بهانه نداشتن بودجه از انجام خواسته های بازنشستگان به بهانه نداشتن بودجه طفره می رفتند. امروز مشخص شده است که پول و درآمد کافی وجود داشته اما مدیریت مشغول تقسیم آن میان عوامل و نهادهای حکومتی و نزدیکان و همدستان خود در شبکه فساد بوده است. حالا هم برای لو رفتن بیشتر فسادهای در تلاشند بی سر و صدا سرو ته قضیه را به هم بیاورند و وجود فساد را انکار کنند.

تجمع بازنشستگان در اراک

بازنشستگان لشگری و کشوری نیز در ۱۲ شهریور همزمان با تجمع بازنشستگان فولاد در اصفهان تجمع و خواستار افزایش حقوق، بهبود معیشت و اجرای همسان سازی شدند. اعتراض بازنشستگان کشوری و لشگری حاکی از نارضایتی گسترده در میان همه بازنشستگان از وضعیت معیشتی و اقتصادی شان است.

کشته شدن ۳ کارگر راه آهن

به گزارش خبرگزاری ایلنا در صبح روز ۱۴ شهریور ۳ کارگر راه آهن در هنگام رفتن به سر کار در اثر تصادف . . خودروی شان با یک وانت بار کشته شدند

جان باختگان این حادثه «مصطفی ابراهیمی» متصدی ترافیک و «مجتبی میر» از کارگران سوزن بان، به " همراه راننده سرویس سواری پژو بود. این سه کارگر در مجموعه راه آهن جنوب شرق زاهدان مشغول به کار " بودند.

پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!

دور تازه تعرض به قوانین حمایتی را با گسترش اعتصاب و اعتراض خنثی کنیم!



اعتصاب در پتروشیمی دنا فاز دو منطقه پتروشیمی عسلویه یکشنبه بیستم شهریور



رضا شهابی را به بند عمومی منتقل کردند

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>